

# «سیاست خارجی ایران در دوران زاممداری مصدق»

دکتر محسن مدیرشانه‌چی

عملی و کاربردی استراتژی سیاست خارجی ایران را در آن دوره بررسی کرده و فارغ از یک سونگری و سمت‌گیری خاصی به آن نگرسته باشد صورت نگرفته و از این رو ضرورت پرداختن به آن محسوس است.

هدف از این پژوهش، درک و تبیین میزان انطباق عملی سیاست خارجی ایران در دوره نخست‌وزیری مصدق با اصول این سیاست یعنی استراتژی موازنه منفی - به گونه‌ای علمی و روش‌شناختی - و در واقع پاسخ دادن به این پرسش است که آیا سیاست خارجی ایران در این دوره با اصول موازنه منفی منطبق بوده است یا نه.

در بررسی عوامل مختلف دخیل در اجرای سیاست خارجی ایران در این دوره، به نظر می‌رسد که اصول موازنه منفی مهمترین آنها بوده و در واقع عامل عمده یا متغیر اصلی، این اصول یا استراتژی بوده است.

ما در این تحقیق، سیاست خارجی را در مجموعه قرار داده‌ها و معاهدات، مبادلات اقتصادی و تجاری، قطع و وصل روابط دیپلماتیک، سفرهای سیاسی و دیپلماتیک، فعالیت مشخص در سازمانهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه می‌بینیم و موازنه منفی را در بُعد خارجی آن، در تساوی نسبی میزان موضع‌گیریها در برابر اردوگاههای غرب و شرق، مخالفت با واگذاری امتیازات به دو قطب قدرت، عدم اتکا به قدرت سوم در موازنه قوا، تحرک در سیاست خارجی و استفاده از تعارضات ابرقدرتها در راه کسب امتیازات مشخص می‌یابیم.

در این مقاله، با سنجش موازنه منفی و نموده‌های مشخص سیاست خارجی ایران در دوره مصدق نشان داده خواهد شد که این دو با یکدیگر سازگار و برهمدیگر منطبق بوده‌اند؛ به طوری که تقریباً همه اصول موازنه منفی در طول دو سال و نیم زمامداری مصدق، با مصادیق عینی سیاست خارجی وی همخوانی داشته است و به این ترتیب، دست کم در مقطعی از تاریخ ایران که یکی از واضعان اصول موازنه منفی در رأس قوه

در این پژوهش به بررسی سیاست خارجی ایران عمدتاً در فاصله اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ مقارن با دوره زمامداری دکتر محمد مصدق خواهیم پرداخت. در این تحقیق، سیاست خارجی ایران بر مبنای الگوی تصمیم‌گیری مطالعه خواهد شد. در این راستا، پس از معرفی این الگو و بررسی اجمالی اصول و استراتژی موازنه منفی که پایه و اساس سیاست خارجی ایران را در این دوره تشکیل می‌داده است، به طرح اهداف سیاست خارجی ایران در دوران نخست‌وزیری مصدق می‌پردازیم و سپس بازتاب عملی استراتژی موازنه منفی را در سیاست خارجی این دوره به صورت نمونه‌ها و موارد مشخصی از پیگیری این اصول در عمل و دستاوردهای آن که مشخصاً در ملی شدن سراسری صنعت نفت ایران تبلور یافت، بیان می‌کنیم. در ادامه، به تحلیل اهداف، سیاستها و عملکردهای بازیگران اصلی روابط بین‌الملل در دوره مورد نظر - بویژه انگلستان، آمریکا و شوروی - به عنوان عامل خارجی، در قبال حکومت مصدق و نهضت ملی ایران، و در پایان به نتیجه‌گیری از موضوع خواهیم پرداخت.

در باره سیاست خارجی، چه به شکل اصول و مبانی و مباحث نظری و چه در زمینه موارد مشخص عملی و تصمیم‌گیریهای مختلف، کتابها و مقالات چندی وجود دارد که بعضاً به فارسی نگاشته یا ترجمه شده است. در باب تاریخ معاصر ایران و بویژه تحولات سالهای شکل‌گیری نهضت ملی ایران و ملی شدن نفت و نیز حکومت ملی دکتر محمد مصدق نیز منابع متعددی به فارسی و زبانهای بیگانه - که برخی از آنها به فارسی ترجمه شده است - موجود است. در ضمن این مطالب، ابعادی از روابط خارجی و نیز سیاست خارجی ایران خصوصاً در رابطه با قدرتهای بزرگ و مشخصاً در موارد مربوط به صنعت نفت و پیامدهای ملی شدن آن روشن شده است. با این حال، تحقیق مستقلی که به تحلیل سیاست خارجی ایران در دوره نخست‌وزیری مصدق پرداخته باشد و بازتاب

و ضعف این تهدیدها چگونه است؟ ...

۳. دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره‌گیری از امکانات: اتخاذ تصمیمات درست، مستلزم برخورداری از منابع اطلاعاتی و نیز توانایی بهره‌برداری از آنهاست. تنوع منابع، گاه موجب دشواری تصمیم‌گیری می‌شود و نیز عدم دسترسی یکسان تصمیم‌گیرندگان به اطلاعات، مشکلات دیگری ایجاد می‌کند.

۴. ساختار نظام تصمیم‌گیری: در هر سازمان، تشکیلات یا نظام، رفتارها و تصمیم‌گیریهایی افراد تا حدود زیادی تابع محدودیتهای اعمال شده از سوی آن سازمان است که در واقع نقشهای مختلفی به افراد واگذار می‌کند و از طریق تقسیم کار و سلسله‌مراتب، حوزه تصمیم‌گیریهارا مشخص می‌سازد. بدیهی است که فشارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی نیز می‌تواند بر فرایند تصمیم‌گیری مؤثر باشد.

۵. راه‌حل‌ها یا آلت‌رناتیوها: در این مرحله، هدفهای کوتاه‌مدت و بلندمدت و ابزارها و امکانات نیل به آنها مورد نظر قرار می‌گیرد. هرچه تعداد انتخابها بیشتر باشد، مشکل تصمیم‌گیری بیشتر است، در این زمینه، منابع اطلاعاتی اهمیت دارد. هالستی، زمان، آلت‌رناتیوها و الگوهای ارتباطی را به عنوان عوامل تصمیم‌گیری در موقعیتهای بحرانی برمی‌شمارد. انتخاب راهی با کمترین زیان و خطر و بیشترین سود، راه‌حل مطلوب است.

۶. پیامدها: در این مرحله ارزیابی تصمیمات با توجه به تغییر استراتژی دولتهای دیگر و تغییر شکل اتحادهای آنها و روی کار آمدن رژیمها و رهبران جدید مطرح می‌شود. به این ترتیب در این زمینه، امکانات موجود، واقعیتهای محیط و واکنش سایر بازیگران و راههای مقابله با آن باید در نظر گرفته شود.

۷. محدودیتهای تصمیم‌گیری: در این زمینه، نارساییهای ارتباطی و اطلاعاتی میان سطوح مختلف تصمیم‌گیری، محدود بودن حوزه اقتدار و مسؤلیت در اتخاذ تصمیمات، انعطاف‌ناپذیری نهادهای تصمیم‌گیری، عوامل محدودکننده نظام یا سیستم متمرکز تصمیم‌گیری، محدودیتهای ذهنی تصمیم‌گیرندگان، محدودیت زمانی شامل غافلگیری و وضعیت بحرانی و نیز محدودیت منابع و تکنولوژی، و سرانجام موانع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح است.

### نگاهی به اصول موازنه منفی

در این گفتار، تنها آن دسته از اصول موازنه منفی که در ارتباط با تنظیم سیاست و روابط خارجی قرار دارد، فهرست‌وار ذکر می‌شود و از طرح سایر اصول این استراتژی که صرفاً به مسائل درونی جامعه مربوط است، می‌پرهیزیم:<sup>۳</sup>

۱. استقلال از قدرتهای بیگانه، شرق و غرب یا شمال و جنوب؛
۲. تأکید بر تمامیت ارضی و همبستگی ملی در برابر مطامع دولتهای مجاور؛

مجریه و سیاستگذاری خارجی کشور قرار گرفته بود، سیاست خارجی ایران بر این استراتژی متکی بوده است.

گستره زمانی و مکانی این تحقیق، سالهای ۳۰ تا ۳۲ در ایران است و به موضوع سیاست خارجی اختصاص دارد.

این پژوهش به موضوع انطباق یا عدم انطباق اصول موازنه منفی در سیاست خارجی ایران با توجه به مدل یا الگوی تصمیم‌گیری می‌پردازد و شامل پنج گفتار به این شرح خواهد بود:

۱. معرفی الگوی تصمیم‌گیری؛
۲. بررسی اصول موازنه منفی؛
۳. اهداف سیاست خارجی ایران در دوره نخست‌وزیری مصدق؛
۴. نمونه‌ها و مواردی از پیگیری موازنه منفی؛
۵. عوامل خارجی.

### الگوی تصمیم‌گیری

یکی از سطوح تحلیل سیاست خارجی، بررسی رفتار دولتها (به‌عنوان واحدهای سیاسی رسمی) بر پایه ارزیابی تصمیماتی است که سیاستگذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. براساس تجزیه و تحلیل سیستمی، در تبادل سیستم و محیط خود، نهادهای سیستم به داده‌ها تبدیل می‌شود (داده‌ها در اینجا همان تصمیمات است). به این ترتیب، در بررسی رفتار بازیگران سیاسی، در واقع تصمیمات آنها را مطالعه می‌کنیم، تصمیماتی که توسط دستگاههای مختلف دولتی گرفته می‌شود.

معیارهای تصمیم‌گیری را می‌توان به هفت مورد تقسیم کرد: ۱) تصمیم‌گیرندگان، ۲) زمینه‌ها و مقتضیات تصمیم‌گیری، ۳) دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره‌گیری از امکانات، ۴) ساختار نظام تصمیم‌گیری، ۵) راه‌حل‌ها یا آلت‌رناتیوها، ۶) پیامدها، ۷) محدودیتهای تصمیم‌گیری.

اینک به اختصار به این معیارها می‌پردازیم:<sup>۴</sup>

۱. تصمیم‌گیرندگان: در فرایند تصمیم‌گیری، افراد و گروههای مختلف با تفکرات و روشهای گوناگون و متغیر (در طول زمان) شرکت دارند، به طوری که اگر جای آنها با یکدیگر عوض شود، تصمیمات عوض خواهد شد. مثلاً در روند تصمیم‌گیری در بحران موشکی کوبا اگر استالین و ترومن به جای خروشچف و کندی تصمیم می‌گرفتند، چه بسا که سیر رویدادها به گونه‌ای دیگر بود. ما این معیار و دیگر معیارهای مربوط به الگوی تصمیم‌گیری را ضمن گفتارهای بعدی در روند تصمیم‌گیریهای مرتبط با سیاست خارجی ایران در مقطع مورد نظر بررسی خواهیم کرد.

۲. زمینه‌ها و مقتضیات تصمیم‌گیری: در این مرحله باید دید سیاستگذارها در چه بستری صورت می‌گیرد؛ آیا زمان کافی و ابزارهای لازم برای تصمیم‌گیری وجود دارد؟ چه تهدیداتی موجود است و شدت

۳. تأکید بر هویت ملی و دینی در برابر فرهنگ و وابستگی به بیگانگان؛
۴. مخالفت با واگذاری هر امتیاز سیاسی و اقتصادی به هر دولت؛
۵. براندازی نفوذ سیاسی و اقتصادی ضد ملی خارجی؛
۶. تصفیه با دولت‌های همجوار؛
۷. رعایت توازن سیاسی در روابط بین الملل؛
۸. نفی اتکا به کمکها و حمایت‌های بیگانگان؛
۹. نفی مشروعیت نظام سیاسی متکی به بیگانه؛
۱۰. طرد عناصر و عوامل داخلی بیگانگان؛
۱۱. تحرک و فعال بودن در سیاست خارجی؛
۱۲. پایبندی به منشور سازمان ملل متحد؛
۱۳. تعهد به دوستی و احترام متقابل؛
۱۴. صلح دوستی و پرهیز از تشنج آفرینی.

### اهداف سیاست خارجی ایران در دوران نخست‌وزیری مصدق

اهداف سیاست خارجی حکومت مصدق، در واقع پیگیری همین اصول موازنه منفی بود که مصدق آن را نه تنها به هنگام نخست‌وزیری بلکه در همه مراحل حیات سیاسی خویش، پیش و پس از نخست‌وزیری، از جمله در دوره‌های حضور در قوای مجریه و مقننه به عنوان وزیر خارجه و نماینده مجالس قانونگذاری در ادوار مختلف مطرح می‌ساخت. ما در گفتار بعد به بررسی موارد مشخصی از پیگیری عملی این اهداف در راستای اصول موازنه منفی خواهیم پرداخت. در این گفتار با توجه به انواع هدفهای ملی در سیاست خارجی، صرفاً شناسایی مقدماتی و مختصری از نوع هدفهای تعقیب شده در سیاست خارجی حکومت مصدق خواهیم داشت و با عنایت به داده‌های تاریخی مربوط به مواضع و عملکردهای این سیاست، به گزینش و رویکرد سیاست خارجی مورد بررسی - نسبت به وجوه مختلف و متقابل هدفهای ملی - اشاره خواهیم کرد. به طور کلی انواع هدفهای ملی در سیاست خارجی در شش طیف به این ترتیب دسته‌بندی می‌شود:

۱. هدفهای مستقل و وابسته، که اهداف نخست در جهت تأمین منافع و نیازهای داخلی و اهداف دوم تحت تأثیر فشارها و تهدیدات خارجی یا ناشی از ناتوانی یا سوء مدیریت رهبری سیاست خارجی است و به این ترتیب داده‌های این سیاست در جهت تأمین خواسته‌های دیگران شکل می‌گیرد. در این زمینه، در سیاست خارجی حکومت مصدق، رویکرد کلی تصمیمات در جهت هدفهای مستقل بود.

۲. هدفهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، که اولی نشانه مقطعی، واکنشی و ناگزیر بودن و بی‌ارتباطی با استراتژی، دومی نمایانگر توجه به اعتبار کشور و متأثر از مجموعه زمینه‌های سنتی، ایدئولوژیک و استراتژیک، و سومی نشان‌دهنده آرمانها و برنامه‌های استراتژیک و

فرامرزی است. سیاست خارجی در حکومت مصدق، عمدتاً شامل پیگیری هدفهای میان‌مدت بود.

۳. هدفهای ظاهری و واقعی، که اهداف واقعی مبتنی بر اصول استراتژی مشخصی است، حال آنکه در صورت فقدان چنین وضعی و صرفاً تکرار برخی واکنشها، گرچه ممکن است تصور وجود استراتژی در یک سیاست خارجی پیش آید، لکن در واقع استراتژی خاصی وجود ندارد و در این صورت، هدفها ظاهری خواهد بود. با توجه به این تقسیم‌بندی، اهداف سیاست خارجی را در مقطع مورد نظر - به دلیل اتکا به یک استراتژی مشخص - هدفهای واقعی می‌یابیم. در این دوره، ملی کردن نفت به عنوان یک اصل استراتژیک و یک سیاست پیگیر و آگاهانه مطرح بود. مصدق جنبه اخلاقی ملی کردن را مهمتر از جنبه اقتصادی آن می‌دانست و جبهه ملی پیش از اقتصاد نفت به سیاست نفتی علاقه نشان می‌داد.

۴. هدفهای سازگار و ناسازگار، که در اولی مجموعه تصمیم‌گیرها هماهنگ و در یک راستا و در دومی در تناقض با یکدیگر است. در این مورد اگر مثلاً ملی کردن صنعت نفت به عنوان مشخص‌ترین عملکرد سیاست خارجی حکومت مصدق در همزمانی با اتکا به کمکهای خارجی و سیاست نگاه به خارج قرار می‌داشت، هدفهای این سیاست خارجی ناسازگار می‌بود و حال آنکه به دلیل فقدان این تناقض، این اهداف را از این جهت می‌توان هدفهایی سازگار ارزیابی کرد.

۵. هدفهای متحد و پراکنده، که در اولی ارتباطی میان اهداف موجود است و در دومی هدفها فاقد چنین ارتباطی است و در این صورت حتی می‌توان از فقدان سیاست خارجی سخن گفت. با توجه به مرتبط بودن و انسجام هدفهای ملی در سیاست خارجی در دوره نخست‌وزیری مصدق در چارچوب اصول و استراتژی موازنه منفی، اهداف این سیاست خارجی را می‌توان متحد دانست.

۶. هدفهای مبتنی بر حفظ یا تغییر وضع موجود، که در مجموع اهداف سیاست خارجی حکومت مصدق را به لحاظ تمرکز آن بر ملی کردن صنعت نفت - برهم زدن نظم موجود و دگرگون کردن روابط پیشین - می‌توان در زمره هدفهای مبتنی بر تغییر وضع موجود شناسایی کرد.

### نمونه‌ها و مواردی از پیگیری اصول موازنه منفی

#### در سیاست خارجی: سالهای ۳۰ تا ۳۲

در این فصل فهرست‌وار نمونه‌ها و مواردی از پیگیری اصول موازنه منفی را در موضع‌گیریهایی مربوط به سیاست خارجی حکومت مصدق به عنوان مصادیق عملی اعمال این استراتژی و انطباق عملکردهای این سیاست خارجی با اصول فوق ذکر می‌کنیم. به منظور نمایاندن تداوم و تسلسل منطقی پیگیری این اصول، لازم است نمونه‌ها را از آغاز ورود مصدق به صحنه سیاسی - در مقاطع مختلف - تا کودتای ۱۳۳۲ بی‌گیریم و در توالی تاریخی آن با استناد به منابع موجود ارائه کنیم:

- با خواست و نیاز انگلیسیها و ارائه طرح جایگزین برای آن؛ ۱۵
۱۱. مخالفت با لایحه نوسازی نظام قضایی در وزارت عدلیه (دادگستری)، در اعتراض به پیش بینی استخدام مستشاران حقوقی فرانسه؛ ۱۶
۱۲. مخالفت با وزارت وثوق در کابینه مستوفی در مجلس ششم، با وجود خویشاوندی با هر دو؛ ۱۷
۱۳. نپذیرفتن وزارت خارجه در کابینه مستوفی در سال ۱۳۰۵ به علت وجود وثوق و فروغی در آن؛ ۱۸
۱۴. مخالفت با اعتبار نامه سیدضیاء در مجلس چهاردهم به علت مواضع و عملکردهای او در طرفداری از انگلیس در اسفند ۱۳۲۲؛ ۱۹
۱۵. تلاش موفق در گذراندن قانون صریح در مجلس چهاردهم در مورد هر کارمندی که مخفیانه راجع به امتیازات نفتی با هر حکومت یا دولت خارجی بحث و گفتگو کند؛ ۲۰
۱۶. مخالفت با اختیارات دکتر میلسپو مستشار آمریکایی (رئیس گل دارایی) در مجلس چهاردهم تا هنگام لغو اختیارات و عزل وی (در مجالس پنجم و ششم نیز اختلاف نظر مصدق و تقی زاده راجع به اختیارات میلسپو بود که مصدق آن را اجرای قرارداد ۱۹۱۹ به شکلی دیگر می دید)؛ ۲۲
۱۷. پیشنهاد منع اعطای امتیاز به شرکتهای خارجی و تصویب آن در ۱۱ آذر ۱۳۲۳، که موجب خنثی شدن تقاضای اسفند ۱۳۲۲ نمایندگان شرکتهای سینکالر آمریکایی، سوکونی و کیوم آمریکایی، رویال داچ شل هلندی - انگلیسی برای امتیاز استخراج نفت در بلوچستان و تقاضای کافتار اذنه از سوی شوروی برای کسب امتیاز نفت در شمال شد؛ ۲۳
۱۸. مخالفت با کمیسیون سه جانی وزرای خارجه روسیه و انگلیس و آمریکا در مسکو برای تقسیم مناطق نفوذ در ایران - همراه با ۱۷ نفر دیگر - تا لغو پیشنهاد کمیسیون، در مجلس چهاردهم در دیماه ۱۳۲۴؛ ۲۴
۱۹. مخالفت با طرح رحیمیان در الغای امتیاز نفت جنوب، به دلیل پیگیری فکر ملی شدن سراسری نفت در مجلس چهاردهم؛ ۲۵
۲۰. پشتیبانی از اقلیت مجلس پانزدهم در مخالفت با تصویب لایحه الحاقی گس - گلشائیان؛ ۲۶
۲۱. رهبری مبارزه در اعتراض به قوام به علت ناخشنودی از سیاست وی نسبت به امتیازات نفتی، به رغم خویشاوندی با او، ۲۷ و مخالفت با موافقتنامه قوام - سادچیکف در خارج از مجلس از طریق ارسال پیامهایی به نمایندگان و تشویق آنان به رد موافقتنامه در سال ۱۳۲۶؛ ۲۸
۲۲. مخالفت جبهه ملی - به رهبری مصدق - با قرارداد گس - گلشائیان در آغاز شکل گیری مجلس شانزدهم در ۲۵ اسفند ۱۳۲۸؛ ۲۹
۲۳. مخالفت - به نمایندگی از سوی جبهه ملی - با قرارداد گس - گلشائیان در مجلس شانزدهم در ۱۸ خرداد ۱۳۲۹؛ ۳۰

○ دکتر مصدق اصول موازنه منفی را نه تنها به هنگام نخست وزیری، بلکه در همه مراحل حیات سیاسی خویش، از جمله در دوره های حضورش در قوای مجریه و مقننه به عنوان وزیر خارجه و نماینده مجلس مطرح می ساخت.

○ دکتر مصدق ملی کردن نفت را به عنوان يك اصل استراتژیک پیگیری می کرد. او جنبه اخلاقی ملی کردن را مهم تر از جنبه اقتصادی آن می دانست و جبهه ملی بیش از اقتصاد نفت به سیاست نفت علاقه نشان می داد.

۱. خروج از جامع آدمیت و دخول در مجمع انسانیت، در مخالفت با سیاست يك جانی جامع؛ ۶
۲. نوشتن رساله «کاپیتولاسیون و ایران» پس از اخذ مدرک دکتری و ورود به ایران؛ ۷
۳. مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) و خروج از کشور و تسلیم اعتراضیه در مورد این قرارداد به جامعه ملل، با وجود خویشاوندی با وثوق الدوله عاقد قرارداد؛ ۸
۴. کشمکش با پلیس جنوب (نیروی تشکیل شده از سوی انگلیسیها) در فارس و صفحات جنوب به هنگام حکمرانی در این ولایت تا سال ۱۲۹۹؛ ۹
۵. مخالفت با کودتای انگلیسی سیدضیاء - رضاخان و تلگراف زدن به احمدشاه در این زمینه، تهدید شدن از سوی سیدضیاء، استعفا از حکمرانی فارس در اعتراض به حکومت کودتا و نپذیرفتن پست در کابینه کودتا؛ ۱۰
۶. نپذیرفتن وزارت دارایی در کابینه قوام، تا هنگام حضور آرمیتاز اسمیت مستشار انگلیسی در این وزارتخانه؛ ۱۱
۷. جلوگیری از دستیابی انگلیس به جزایر ابوموسی و شیخ شعیب و مخالفت با مطالبات غیرقانونی این کشور به هنگام تصدی وزارت خارجه در کابینه مشیرالدوله از خرداد تا مهر ۱۳۰۲؛ ۱۲
۸. مخالفت با ماده واحده مربوط به تغییر سلطنت در ۹ آبان ۱۳۰۴، با وجود موافقت بسیاری از رجال سیاسی و نمایندگان مجلس از طیفهای مختلف شامل رجال انگلوفیل و روسوفیل، و حمایت نشریات این دو جناح از جمله نشریه نصیحت ارگان حزب کمونیست؛ ۱۳
۹. مخالفت با تمدید ۲۵ ساله امتیاز انحصار کشتیرانی و شیلات شمال به شوروی در سال ۱۳۰۵؛ ۱۴
۱۰. مخالفت با لایحه راه آهن سراسری به علت تشخیص انطباق آن



۲۴. مخالفت - به نمایندگی از جبهه ملی - بارز مآ را (و مواضع وی در  
برقراری موازنه مثبت میان انگلیسیها و روسها) در ۵ تیر ۱۳۲۹؛<sup>۳۱</sup>

۲۵. پذیرفتن نخست‌وزیری پس از ترور رزم‌آرا در ۱۶ اسفند  
۱۳۲۹ به منظور پیگیری قانون ملی شدن صنعت نفت؛<sup>۳۲</sup>

۲۶. ریاست کمیسیون ۱۸ نفره نفت - با پنج عضو از جبهه ملی - در  
مجلس شانزدهم که در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به ملی شدن نفت تصمیم گرفت  
(این تصمیم در ۲۴ اسفند به تصویب مجلس شورای ملی و در ۲۹ اسفند  
به تصویب مجلس سنا و توشیح شاه رسید و صنعت نفت ایران در این روز  
رسماً ملی شد)؛<sup>۳۳</sup>

۲۷. تدوین و پیشنهاد شدن طرح ۹ ماده‌ای خلع ید از سوی  
کمیسیون، به ریاست مصدق (این طرح در ۷ و ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰  
به ترتیب به تصویب مجلسین شورا و سنارسید)؛<sup>۳۴</sup>

۲۸. منوط کردن پذیرش نخست‌وزیری - پس از علاء - به تصویب  
لایحه خلع ید؛<sup>۳۵</sup>

۲۹. تعیین هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران بلافاصله پس  
از رسیدن به مقام نخست‌وزیری در اردیبهشت ۱۳۳۰ (هیأت مدیره در  
۲۹ خرداد ۱۳۳۰ از شرکت نفت ایران و انگلیس خلع ید کرد)؛<sup>۳۶</sup>

۳۰. اعتراض به شکایت انگلستان و دخالت دیوان دادگستری  
بین‌المللی لاهه بر مبنای عدم صلاحیت دیوان؛<sup>۳۷</sup>

۳۱. شرکت در جلسات شورای امنیت در مهر ۱۳۳۰ (شورا  
بر خلاف تقاضای انگلستان رأی داد)؛<sup>۳۸</sup>

۳۲. تقاضای رعایت بیطرفی از آمریکا - به جای مساعدت - در  
اختلافات ایران و انگلیس در جلسه ۱۹ آذر ۱۳۳۰ مجلس؛<sup>۳۹</sup>

۳۳. اقدام به قطع روابط با انگلستان و انحلال کنسولگریهای انگلیس  
و شورای فرهنگی بریتانیا در بهمن ۱۳۳۰؛<sup>۴۰</sup>

۳۴. اثبات عدم صلاحیت دیوان در لاهه و ارائه ۱۸۰ سند در مورد  
دخالت انگلیس در ایران در خرداد ۱۳۳۱؛<sup>۴۱</sup>

۳۵. مخالفت با تقاضای جمال امامی مبنی بر جایگزین شدن شرکت  
نفت سابق با کمپانیهای آمریکایی؛<sup>۴۲</sup>

۳۶. بازداشتن شاه از ارتباط مستقیم با دیپلماتهای خارجی، پس از  
احراز مجدد نخست‌وزیری در پی رأی اعتماد مجلس هفدهم؛<sup>۴۳</sup>

۳۷. برنامه‌ریزی و اعمال سیاست اقتصاد بدون نفت و تکیه بر تولید  
ملی به جای واردات؛<sup>۴۴</sup>

۳۸. رد درخواست شوروی مبنی بر تمدید امتیاز انحصار کشتیرانی  
و شیلات شمال در دیماه ۱۳۳۱؛<sup>۴۵</sup>

۳۹. دادن پاسخ منفی به تقاضای سادچیکف در مورد تمدید قرارداد  
شیلات شمال در ۹ بهمن ۱۳۳۱؛<sup>۴۶</sup>

چنان که ملاحظه می‌شود، مصدق نه تنها در طول حکومت خویش و  
رهبری سیاست خارجی ایران، بلکه از آغاز ورود به صحنه سیاسی  
کشور در همه مراحل فعالیتهای قضایی، اداری و اجرایی، پارلمانی،

فرهنگی و سیاسی خود، در عین استفاده از تعارضات موجود در نظام  
بین‌المللی و ایجاد توازن سیاسی، پایبندی به میثاقهای بین‌المللی و  
حضور فعال در مجامع جهانی، با هر گونه وابستگی و گرایش به قطبهای  
قدرت، اعطای امتیازات و انحصارات به بیگانگان، حضور مستشاران  
خارجی در کشور، اجرای طرحهای مورد نظر قدرتهای جهانی، انعقاد  
قراردادهای یکطرفه زیانبار برای کشور، و روی کار آمدن عناصر و  
محافل وابسته به بیگانگان و تحکیم و بسط قدرت آنان با هر گرایش و  
سمت و سو سخت مخالف بود و با استفاده از همه امکانات و ابزارها با آن  
به مخالفت می‌پرداخت. در این راستا، چنان که دیدیم، مخالفتها و  
اعتراضات وی همه قدرتهای جهانی از جمله دو قدرت مسلط استعماری  
یعنی انگلستان و شوروی و نیز قطب نوظهور در قدرت جهانی - آمریکا -  
را که برخی محافل درون کشور بعنوان قدرت سوم و توازن دهنده به آن  
دل بسته بودند، در بر می‌گرفت و حتی با وجود اقامت و تحصیلات حقوقی  
او در فرانسه و بخش فرانسه‌نشین سویس از یک سو و حضور بالنسبه  
غیر استعماری فرانسه در ایران، استخدام مستشاران حقوقی از آن کشور  
را نیز شامل می‌شد. پیگیری مشی موازنه منفی را در سیاست خارجی  
مصدق، در پاسخ وی به تقاضای سادچیکف برای تداوم امتیازات شیلات  
شمال می‌توان خلاصه کرد: «دولتی که امتیاز نفت جنوب را قبل از انقضا  
ملی کرد و کارمندان انگلیسی شرکت را اخراج نمود، چطور می‌تواند  
قرارداد منقضی شده شیلات را ابقا کند؟»<sup>۴۷</sup>

به این ترتیب، چنان که بسیاری از تحلیلگران و صاحب‌نظران ایرانی و  
غیر ایرانی در تاریخ معاصر بر آن تأکید داشته‌اند، مواضع و عملکردهای  
مصدق و نهضت ملی ایران دقیقاً در راستای پیگیری و اعمال استراتژی  
موازنه منفی بوده است. در یکی از منابع تاریخ روابط خارجی ایران آمده  
است: «مصدق طی بیست و هفت ماه زمامداری خود، اجرای دقیق  
سیاست موازنه منفی را نصب العین قرار داد. در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ از  
شرکت نفت ایران و انگلیس خلع ید کرد و اداره صنایع نفت را به شرکت  
ملی نفت ایران سپرد. در ۹ بهمن ۱۳۳۱ شیلات دریای خزر را که  
همچنان در دست شورویها بود، ملی کرد.»<sup>۴۸</sup> آبراهامیان، پژوهشگر و  
نویسنده تاریخ معاصر ایران نیز چنین می‌نویسد: «مصدق شرکت نفت  
ایران و انگلیس را ملی کرد و ماهیگیری دریای خزر را که در اختیار  
شوروی بود، به دست گرفت و به این ترتیب سیاست موازنه منفی را  
عملی کرد.»<sup>۴۹</sup>

پیگیری عملی استراتژی موازنه منفی و استقلال از کانونها و قطبهای  
قدرت جهانی از موقعیتهای نادر در تاریخ معاصر بود که گرچه در موازنه  
عدمی مدرس نیز برخی اصول آن با تکیه بر موازنه اسلامی به چشم  
می‌خورد، اما مصدق با دستیابی به قدرت سیاسی و رهبری سیاست  
خارجی کشور، در مقطعی نه چندان طولانی توانست آن را در عمل اجرا  
کند و از این حیث در منطقه و بلکه جهان سوم نقشی پیشیناز و راهگشا  
داشته باشد. از این رو، «مصدق را می‌توان پیشگام سیاست عدم تعهد در

اردوی غرب - انگلستان و آمریکا - که در جوئی از همکاری و رقابت متقابل عمل می کردند، و نیز شوروی که در فضای دو قطبی پس از جنگ جهانی در رأس اردوی متخاصم شرق ظهور کرده بود، بررسی می شود. با مرگ استالین در دوره مورد نظر، نظام جهانی در روند تحول از دو قطبی آشتی ناپذیر به دو قطبی آشتی پذیر قرار گرفت که این خود در الگوی تصمیم گیریهای متقابل در نظام بین المللی حائز اهمیت است. در این فصل، مواضع و عملکردهای برخی دیگر از قدرتهای اروپایی در مجموعه سیاستهای جهانی در قبال حکومت ملی دکتر محمد مصدق اجمالاً مورد توجه خواهد بود.

۱. اهداف، سیاستها و عملکرد انگلستان: بر خورد انگلستان با ملی شدن نفت و مواضع حکومت مصدق در طول بیست و نه ماه پس از ملی شدن نفت (از ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و از جمله بیست و هفت ماه زمامداری مصدق، از موضعی حقوقی - سیاسی به عملکردی سیاسی - نظامی کشانده شد که در این میان بی تردید تغییر تصمیم گیرندگان و بازیگران سیاسی در لندن - یعنی روی کار آمدن حکومت محافظه کار چرچیل به جای حکومت کارگری اتلی و قرار گرفتن آنتونی ایدن در رأس وزارت خارجه انگلستان در آبان ۱۳۳۰ (اکتبر ۱۹۵۱) - تحولی اساسی در روند تصمیم گیریهای این کشور در این زمینه بود و الگوی تصمیم گیری را یکسره متحول ساخت.

بطور کلی برنامه های انگلستان در مقابله با حکومت مصدق شامل پنج مرحله بود: اول مخالفت همه جانبه با ملی شدن نفت و تلاش برای ایجاد نهادهای جایگزین و مغایر قانون ملی شدن صنعت نفت در قالبهای مختلف؛ دوم، توسل به مجامع بین المللی به منظور غیرقانونی شناساندن ملی شدن نفت؛ سوم، محاصره اقتصادی و جلوگیری از صدور نفت؛ چهارم، کشاندن آمریکا از حالت بیطرفی مثبت به بیطرفی منفی و سرانجام به سمت مخالفت با حکومت مصدق؛ و پنجم، اقدامات پنهانی برای برانداختن حکومت ملی مصدق. ۵۳ گازپوروسکی، استراتژی انگلستان را در این مقطع به سه مرحله خلاصه می کند: اول، مانورهای حقوقی شامل توسل به دیوان بین المللی دادگستری لاهه، طرح پیشنهادهای مناصف درآمدهای نفتی و اعزام نمایندگان مختلف از جمله استوکس، توسل به حکمیت آمریکا؛ دوم، تضعیف موقعیت مصدق شامل محاصره اقتصادی و مانورهای نظامی، تماس با متحدان اروپایی و اقناع آنها به نخریدن نفت از ایران؛ و سوم، کوشش در برکناری مصدق شامل کمک به عوامل داخلی مخالف، فشارهای وزارت خارجه و استوکس به شاه برای عزل مصدق، زمینه سازی برای روی کار آوردن سیدضیاء و قوام و ادامه توطئه ها تا پیروزی کودتا. ۵۴ به نوشته کاتوزیان، بریتانیا در همان حال که دعوا را به شورای امنیت سازمان ملل متحد احاله می کرد، از طریق مداخله پنهانی در سیاست ایران، برای سرنگونی مصدق نیز توطئه چینی می کرد. در راستای این سیاست، میدلتون کاردار سفارت بریتانیا در تهران از سال ۱۳۳۱ زاهدی را تشویق می کرده است

○ دکتر مصدق از يك سو شرکت نفت ایران و انگلیس را ملی کرد و از سوی دیگر ماهیگیری در دریای خزر را که در اختیار شوروی بود به دست گرفت و به این ترتیب سیاست موازنه منفی را عملی ساخت.

○ گرچه برخی از اصول استراتژی موازنه منفی در سیاست موازنه عدمی مدرس نیز با تکیه بر موازین اسلامی به چشم می خورد، اما مصدق با دستیابی به قدرت سیاسی توانست آن را در عمل به اجرا گذارد و از این حیث در منطقه و بلکه در جهان سوم نقشی پیشتاز و راهگشا بازی کند.

جهان سوم دانست. در فروردین ۱۳۳۴ (آوریل ۱۹۵۵) در نخستین کنفرانس کشورهای آسیایی - آفریقایی در باندونگ پس از ۱۸ ماه از کودتای ۲۸ مرداد، نمایندگان کشورهای مختلف از مبارزات مصدق با استعمار و تلاشهایش در راه ملی کردن صنعت نفت ایران تجلیل کردند. ۵۰ «در مرداد ۱۳۳۵ (ژوئیه ۱۹۵۶) جمال عبدالناصر در جریان ملی کردن کانال سوئز خود را پیرو مکتب مصدق (زعیم شرق) نامید و دستور داد یکی از خیابانهای زیبای قاهره را که قبلاً به مناسبت ازواج شاه با شاهدخت فوزیه خواهر ملک فاروق، شارع رضاشاه پهلوی نامگذاری شده بود، به شارع محمد مصدق تبدیل کردند. ۵۱ «در تأسیس جنبش کشورهای غیرمتعهد در شهریور ۱۳۴۰ (سپتامبر ۱۹۶۱) در بلگراد همان اصولی که مصدق سالها پیش عنوان کرده بود، نصب العین قرار گرفت. ۵۲

## عوامل خارجی

در فصل گذشته، يك سوی روابط خارجی یعنی سیاست خارجی مصدق و حکومت او در راستای کاربرد اصول موازنه منفی بررسی شد. چنان که می دانیم، برخلاف سیاست خارجی که موضوعی یکطرفه است، روابط خارجی به مقوله ای دوطرفه بدل می شود. از این رو، لازم است سوی دیگر روابط خارجی ایران، یعنی عملکرد دولتهای بیگانه بررسی و تحلیل شود تا تصویر جامعی از روابط خارجی ایران در مقطع مورد نظر به دست آید و به این ترتیب نقش عامل خارجی در شکل گیری تصمیمات متقابل روشن شود.

در این فصل، مواضع کشورهای مؤثر در روابط خارجی ایران را در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بررسی می کنیم تا نقش عامل خارجی یا محیط بین المللی در روند تصمیم گیریهای سیاست خارجی ایران در این دوره مشخص گردد. در این راستا، مواضع و عملکردهای دو قدرت اصلی

که دست به کار شود.<sup>۵۵</sup> طبق اسناد دفتر اطلاعات مرکزی شرکت نفت و نیز اسنادخانهٔ سدان، شرکت نفت از مدت‌ها پیش در توطئه‌های سرنگونی مصدق دست داشت<sup>۵۶</sup> و حتی شکست مأموریت استوکس تا حدودی ناشی از نارضایتی شرکت نفت به هر نوع مصالحه و سعی در حفظ وضع موجود بود.<sup>۵۷</sup> در حکومت کارگری اتلی بر سر نوع برخورد با ایران چنددستگی بروز کرده بود؛<sup>۵۸</sup> اما با روی کار آمدن محافظه کاران و پیگیری سیاست حفظ وضع موجود و پافشاری بر تشکیل شرکت دیگری همچون کنسر سیوم، پروندهٔ مأموریت‌هایی مانند مأموریت استوکس بکلی بسته شد. حکومت جدید لندن نه تنها از حکومت قبلی به دلیل ضعف آن در برابر حکومت مصدق انتقاد می‌کرد،<sup>۵۹</sup> بلکه چرچیل در رأس حکومت جدید، با ترفندهای مختلف، ترومن رئیس جمهور دموکرات آمریکا را به سمت موافقت با سیاستهای خود در ایران کشاند؛ به گونه‌ای که در شهریور ۱۳۳۱ (اوت ۱۹۵۲) نمایندگان آمریکای انگلیس پیام مشترک ترومن - چرچیل مبنی بر رسیدگی دادگاه بین‌المللی به مسئلهٔ غرامت شرکت نفت را تسلیم مصدق کردند.<sup>۶۰</sup> گرچه روی کار آمدن محافظه کاران در انگلستان به تدریج بر سمت و سوی سیاست ایالات متحده بر مسئلهٔ ایران اثر می‌گذاشت و توافق با انگلیس و طرح‌های پنهانی دست کم در سیا و حتی وزارت خارجهٔ آمریکا شکل می‌گرفت، اما تا جایگزینی دموکراتها با جمهور یخواهان در واشینگتن و تغییر تصمیم گیران در ایالات متحده، تغییری بنیادی در سیاستهای آمریکاروی نداد. روند تصمیم‌گیری در آمریکا و تأثیرپذیری آن از جایجایی تصمیم‌گیرندگان، در جای خود در ادامهٔ این فصل بررسی خواهد شد. در باب روند تصمیم‌گیری در انگلستان و تأثیر آن بر تحولات داخلی ایران در سالهای ۳۰ تا ۳۲ به اجمال می‌توان به این نوشتهٔ کاتوزیان اشاره کرد که «اگر دولت [حکومت] کارگری انگلستان در انتخابات پارلمانی اکتبر ۱۹۵۱ [مهر ۱۳۳۰] بار دیگر موفق شده بود و در قدرت باقی می‌ماند، شاید مسئلهٔ نفت هم با مسالمت حل می‌شد؛ چرا که اتلی [نخست‌وزیر حکومت کارگری] اصل ملی شدن را با کسب امتیازات و غرامتهایی می‌پذیرفت ولی محافظه کاران حاضر به توافق نبودند و قصد سرنگونی مصدق را داشتند.»<sup>۶۱</sup>

۲. اهداف، سیاستها و عملکرد آمریکا: اهداف آمریکا در ایران در آغاز در دو مورد خلاصه می‌شد: اول، ماندن در بلوک غرب؛ و دوم، حفظ ثبات بازار نفت.<sup>۶۲</sup> طبعاً در آن هنگام ایران از اهمیتی که بعدها برای آمریکا یافت، برخوردار نبود و دفاع از ایران عمدتاً بر عهدهٔ انگلیس نهاده شده بود.<sup>۶۳</sup> نگرانی آمریکا با قدرت گرفتن مجدد حزب توده در سال ۱۳۲۹ و ترس از خطر کمونیسم و نفوذ شوروی در ایران شکل گرفت و در این راستا هنری گریدی که پیش از آن برنامهٔ عظیم کمکهای پس از جنگ آمریکا را در یونان اداره کرده بود و در کاربرد این کمکها تجربهٔ فراوان داشت، از مرداد ۱۳۲۹ (ژوئن ۱۹۵۰) به سفارت در ایران منصوب شد که این مأموریت تا شهریور ۱۳۳۰ (سپتامبر ۱۹۵۱) ادامه

یافت.<sup>۶۴</sup> هنری گریدی و جرج مک‌گی معاون وزارت خارجهٔ ایالات متحده در قبال مسئلهٔ نفت با نهضت ملی همدردی نشان می‌دادند و در این زمینه با انگلیسیها اختلاف نظر داشتند.<sup>۶۵</sup> گریدی شش ماه پیش از ملی شدن صنعت نفت به لندن رفت ولی کوششهایش در متقاعد کردن انگلیسیها برای موافقت با خواستههای ایرانیان ناکام ماند.<sup>۶۶</sup> ظاهراً آمریکاییها در آغاز - احتمالاً برای پایان دادن به منافع انحصاری انگلیسیها در نفت ایران - موافق ملی شدن نفت بودند. در این میان، گریدی، مک‌گی و ماکس تورنبرگ از مهر ۱۳۲۹ تا فروردین ۱۳۳۰ ملی کردن نفت را تشویق می‌کردند ولی پس از ملی شدن، مقامات آمریکایی با ایفای نقش بازدارنده در پیشرفت نهضت، برای کسب سهم در موقعیت مناسب نقش میانجی را به عهده گرفتند.<sup>۶۷</sup> به نوشتهٔ کاتوزیان، مک‌گی و گریدی در پی راه‌حل بینابینی بودند.<sup>۶۸</sup> مک‌گی پیشنهاد پنج ماده‌ای خود را شامل فروش نفت به انگلستان یا تخفیف بعنوان غرامت که مورد موافقت مصدق قرار گرفت و جیمز بیل از آن به عنوان پیشنهاد مصدق - مک‌گی یاد می‌کند، طرح کرد و دین آچسون وزیر خارجهٔ ترومن آن را برای کسب توافق ایدن وزیر خارجه چرچیل به پاریس برد ولی محافظه کاران که تازه در انگلیس بر سر کار آمده بودند، این پیشنهاد را رد کردند.<sup>۶۹</sup> آچسون همزمان سعی داشت انگلیسیها و مصدق را به پیروی از سیاست آشتی‌جویانه ترغیب کند. ترومن نیز همزمان با ممانعت از به کار گرفته شدن نیروی نظامی از سوی انگلیسیها بر ضد ایران، اورل هریمن را برای میانجیگری به ایران فرستاد و وی مصدق را به پذیرش نمایندگان انگلستان قانع ساخت؛ هر چند مأموریت ریچارد استوکس که از سوی انگلیسیها به ایران آمد، شکست خورد.<sup>۷۰</sup> آمریکاییها برای جلب رضایت انگلیسیها و به آشتی کشاندن آنها، مانع فعالیت شرکتهای نفتی خود در ایران شدند و در واقع در تحریم عملیات و صادرات نفت ایران شرکت جستند و حتی خود مک‌گی در این امر فعال بود.<sup>۷۱</sup> به هر حال، با برکناری مک‌گی و گریدی در شهریور ۳۰ (سپتامبر ۵۱) و بویژه روی کار آمدن محافظه کاران در انگلیس در مهر (اکتبر) همان سال، آمریکا هر چه بیشتر به سمت مخالفت با حکومت مصدق کشیده شد.<sup>۷۲</sup> با به درازا کشیدن بحران نفت و فشارهای دیپلماتیک انگلستان، آمریکاییها که از ماهیت و اگیر ملی شدن نفت ایران نگران بودند، هر چه بیشتر تغییر جهت دادند و حتی پیش از روی کار آمدن آیزنهاور در واشینگتن، دخالت پنهانی در ایران بویژه از سوی محافل سیا مطرح شده بود اما مقامات بلندپایه تر تا سال ۱۹۵۳ موافق این امر نبودند.<sup>۷۳</sup> انگلیسیها پیش از جایجایی دموکراتها و جمهور یخواهان در ایالات متحده، با مقامات سیا و وزارت خارجهٔ آمریکا به توافق رسیدند. موتتی و ودهاوس انگلیسی با آمریکاییها در این دو نهاد ملاقات کرد و عملیات چکمه را بر ضد حکومت مصدق پیشنهاد کرد. همزمان - آبان ۱۳۳۱ (نوامبر ۱۹۵۲) - همکاران و ودهاوس با کریمیت (کیم) روزولت رئیس عملیات سیا در خاورمیانه تماس گرفتند.<sup>۷۴</sup> قطع روابط ایران و انگلیس و بسته شدن سفارت



پس از تعیین زاهدی به جای مصدق و قبولاندن کودتا به شاه. در پی ملاقات روزولت و شوار تسکف باوی - کودتای ۲۵ مرداد و پس از شکست آن کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجام گرفت.<sup>۷۸</sup> برخی تحلیلگران، سیاست ایالات متحده را در قبال نهضت ملی، بطور کلی به سه دوره تقسیم کرده اند: اول، پشتیبانی از جنبش ملی شدن صنعت نفت؛ دوم، میانجیگری دوستانه در حل اختلافات با انگلستان؛ و سوم، مخالفت با مصدق و براندازی حکومت ملی.<sup>۷۹</sup>

۳. اهداف. سیاستها و عملکردهای شوروی: اگر خط مشی و عملکرد انگلستان در برابر نهضت ملی ایران، به «رویارویی و محاصره اقتصادی و توطئه چینی» تعبیر شده و به سیاست آمریکایک عنوان «از میانجیگری دوستانه تا براندازی» داده شده است، در مورد شوروی نیز تعبیر «بدگمانی و بی اعتنائی» در قبال نهضت ملی به کار رفته است.<sup>۸۰</sup> شوروی در رابطه با مصدق و نهضت ملی ایران، در راستای تقسیم همه چیز به روسی و غیر روسی [ضد روسی یا آمریکایی]، مصدق را به دلیل استقلال خود عامل امپریالیسم آمریکا می دانست و از آنجا که نمی خواست آمریکا جای انگلیس را در خاورمیانه بگیرد و نیز به علت آنکه با ملی شدن نفت و پایان حضور استعماری انگلستان در ایران، سهم خود یعنی نفت شمال و اساساً امکان معامله و توازن تاریخی خود با انگلیسیها را از دست می داد، مصدق و جبهه ملی را در استراتژی خود خطر عمده می دید.<sup>۸۱</sup> در همین راستا، شوروی به جای خرید نفت ایران با تخفیف پنجاه درصد پس از ملی شدن آن، ترجیح داد نفت مورد نیاز خود را از غرب خریداری کند. شوروی نه تنها کمک بیست میلیون دلاری در خواستی ایران را در این دوره نپذیرفت، بلکه از پرداخت بدهیهای زمان جنگ خود و مطالبات ایران از جمله طلاهای امانتی سر باز زد و پس از کودتا این بدهیها و مطالبات را به حکومت کودتا پرداخت.<sup>۸۲</sup> مواضع غیر دوستانه و بلکه خصمانه شوروی در قبال نهضت ملی، همچنین در خط مشی و موضعگیریهای عوامل داخلی این کشور در ایران بویژه حزب توده ایران در رویارویی و مواجهه با مصدق، اخلال در روند نهضت و ایجاد بحرانهای داخلی زمینه ساز کودتا انعکاس می یافت که این امر بعدها در تحلیلهای و قطعنامه های مصرح در پلنوها و نشستهای این حزب مطرح شده و خود موضوع بحثها و بررسیهای فراوان بوده است.

۴. اهداف، سیاستها و عملکرد برخی دیگر از کشورها در قبال نهضت ملی: فرانسه که در آغاز شکل گیری نهضت موضع مشخصی در برابر آن نداشت، با تشدید بحران و فشار انگلستان بر متحدان اروپایی خود، به تدریج به مواضع حکومتهای محافظه کار و جمهوریخواه انگلیس و آمریکا نزدیک شد و در ۱۹ تیر ۱۳۳۲ در کنفرانس نمایندگان سه کشور (ایالات متحده، انگلستان و فرانسه) در واشینگتن، موافقت خود را با براندازی حکومت مصدق اعلام داشت.<sup>۸۳</sup> صرف نظر از سه قدرت رقیب در صحنه سیاسی ایران - انگلیس، آمریکا و شوروی - سایر

○ اگر حزب کارگر انگلستان در انتخابات ۱۹۵۱ پیروز شده و همچنان بر سریر قدرت مانده بود، شاید مسئله نفت با مسالمت حل می شد؛ زیرا «اتلی» اصل ملی شدن را در برابر دریافت امتیازات و غرامتهایی می پذیرفت ولی محافظه کاران حاضر به سازش نبودند و قصد سرنگون کردن مصدق را داشتند.

○ پیش از روی کار آمدن جمهوریخواهان، سیاستی دو گانه در قبال ایران در ایالات متحده وجود داشت. «سیا» در پی سرنگون کردن مصدق بود، در حالی که سیاست رسمی ترومن و دموکراتها دفاع از ایران در برابر خطر کمونیسم بود.

انگلستان در ایران، ضرورت توسل انگلیسیها به آمریکاییها را در این زمان پیش آورده بود. در این هنگام - پیش از روی کار آمدن جمهوریخواهان - در آمریکا سیاستی دو گانه حاکم بود. سیاست سرنگونی حکومت مصدق را دنبال می کرد، در حالی که سیاست رسمی ترومن و دموکراتها دفاع از ایران در برابر خطر کمونیسم بود.<sup>۷۵</sup> گرچه فعالیتهای محرمانه ایالات متحده و از جمله عملیات بدمان از اوایل ریاست جمهوری ترومن در سال ۱۳۲۷ در ایران شروع شده بود، اما هدف از این فعالیتها نه مقابله با مصدق که جلوگیری از نفوذ شوروی و تضعیف موقعیت این کشور در ایران بود.<sup>۷۶</sup>

به هر حال با تغییر حکومت در واشینگتن در دی ۱۳۳۱ (ژانویه ۱۹۵۳) - درست چهارده ماه پس از تغییر حکومت در لندن - همسویی سیاستهای انگلستان و آمریکا در براندازی حکومت مصدق - که با تشدید بحرانهای داخلی ایران همراه بود - الگوی تصمیم گیری مشخصی را شکل داد. در ۱۴ بهمن ۱۳۳۱ (۳ فوریه ۱۹۵۳) دو هفته پس از آغاز ریاست جمهوری آیزنهاور، طرح چکمه که به آژاکس تغییر نام داده بود، مورد موافقت آمریکاییها قرار گرفت.<sup>۷۷</sup> سفر ایدن وزیر خارجه انگلیس به واشینگتن در اسفند ۱۳۳۱ (مارس ۱۹۵۳) تأیید نهایی حل بحران از طرق غیر مسالمت آمیز را به دنبال داشت. از آن پس، سفارت آمریکا به جای سفارت تعطیل شده انگلستان به صورت کانون توطئه و براندازی در آمد و عوامل انگلیس در ایران نیز برای اجرای عملیات در اختیار سفارت آمریکا قرار گرفتند. لوی هندرسون سفیر آمریکا در تهران و کر میت روزولت رئیس بخش خاور میانه در سیا که جای وودهاوس را در رهبری کودتا به عهده گرفته بود، به زمینه چینی کودتا پرداختند و سرانجام



کشورها سیاستها و مواضع خود را همچون فرانسه بر مبنای منافع اقتصادی و روابط متقابل خویش با دو دولت قدرتمند غربی - انگلستان و آمریکا - و فشارهای سیاسی و اقتصادی این دو دولت تنظیم می‌کردند. شرکتهای ایتالیایی و ژاپنی، پس از تحریم خرید نفت و محاصره اقتصادی ایران از سوی انگلستان، در چند مورد تحریم و محاصره ایران را نادیده انگاشتند.<sup>۸۴</sup> در نظم جدید دو قطبی پس از جنگ جهانی دوم و بویژه پس از روی کار آمدن جمهوریخواهان در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ که آمریکا به جای انگلستان بعنوان قدرت عمده غرب ظاهر شده و در برابر اردوی کمونیسم نقش توازن دهنده و رهبری جهان غرب را به عهده گرفته بود، طبعاً فشارها و تهدیدات انگلیس نمی‌توانست کشورهای غربی را به تعیین خط‌مشی موافق نظر انگلیسیها - به رغم منافع تجاری و مالی این کشورها - وادارد و از این رو ایالات متحده به نیابت از انگلستان، با فشارهای سیاسی و اقتصادی خود، سیاستها و مواضع کشورهای غربی را در جهت مقابله با حکومت ملی ایران هماهنگ می‌ساخت. آمریکا، در این راستا، با اشاره به کمکهای خود به ایتالیای پس از جنگ - و با توصیه تهدید آمیز خود - این کشور را از خرید نفت ایران بر حذر داشت.<sup>۸۵</sup> ایتالیا و ژاپن مدتی شرکتهای خود را از پرداخت دلار یا جنس به عوض خرید نفت از ایران بازداشتند.<sup>۸۶</sup> در طول این سالها برخی معاملات پایایی با فرانسه، آلمان، ایتالیا، مجارستان، لهستان و چکسلواکی ادامه داشت.<sup>۸۷</sup> به این ترتیب، در مجموع، سایر کشورهای غربی - هر چند با نقش و عملکردی بسیار ضعیفتر و کم اهمیت‌تر از انگلستان و آمریکا - در ایجاد تنگنا و فشار بین‌المللی و اقتصادی بر حکومت مصدق و نهضت ملی ایران با این دو قدرت همراه شدند.

### نتیجه‌گیری

چنان که دیدیم، خط‌مشی و رفتار مصدق در طول حیات سیاسی وی و نیز شیوه و عملکرد حکومت ملی در سالهای ۳۰ تا ۳۲ بر مبنای اصول موازنه منفی قرار داشته است. صرف نظر از مجموعه عوامل داخلی و خارجی لازم برای «استقرار» و «دوام» استراتژی موازنه منفی، این استراتژی دست کم در دوره‌ای از تاریخ ایران اعمال شد و دستاوردهای محسوس و مشخصی به بار آورد که مهمترین آن ملی شدن سراسری نفت و خلع ید از بیگانگان بود.

این که آیا احتمالاً آلترناتیوها یا انتخابهای مناسبتر از ملی شدن نفت وجود داشته یا نه، خود می‌تواند موضوع بحثی جداگانه باشد، اما بی‌تردید ملی شدن صنعت نفت بازتاب اتخاذ سیاست موازنه منفی بوده و متقابلاً اعمال سیاست موازنه منفی نیز نمی‌توانسته هدفی جز ملی شدن این صنعت دنبال کند؛ چرا که همه آلترناتیوهای دیگر منافی احقاق کامل حقوق ملت ایران و مغایر اهداف استراتژی حکومت ملی بود و مردم ایران و تقریباً همه گرایشهای سیاسی ملی، مذهبی و چپ مستقل - حتی آنان که بعدها در درون نهضت ملی و زمینه‌ساز کودتا قرار گرفتند - در آن

مقطع به چیزی کمتر از ملی شدن رضایت نمی‌دادند و در واقع شکل‌گیری جبهه ملی، تکوین نهضت ملی ایران و به قدرت رسیدن مصدق نیز در راستای دستیابی به این هدف بود. در عین حال، روند تصمیم‌گیری سیاسی نیز در انگلستان - بخصوص پس از روی کار آمدن محافظه کاران - حتی به راه‌حلهای بینابین نظر مساعدنداشت و در نهایت، سیاست حفظ وضع موجود و دفع‌الوقت تا سرنگونی مصدق را دنبال می‌کرد و بویژه پس از پیروزی جمهوریخواهان در ایالات متحده، غرب در اتخاذ سیاست رودررویی با مصدق و نهضت ملی ایران و نهایتاً در ساقط کردن حکومت ملی به هماهنگی و اتفاق نظر رسید و شوروی نیز در استراتژی خویش نفعی برای پشتیبانی از حکومت ملی و جلوگیری از سقوط آن نمی‌دید. به این ترتیب، هر گونه راه‌حل بینابین - صرف نظر از مبنایت با نیات و خواستههای ملی متجلی در اصل ملی شدن نفت و اصول موازنه منفی - به لحاظ امکان عملی نیز بعید به نظر می‌رسید. از این رو، با توجه به اهداف، سیاستها و عملکردهای نظام بین‌المللی از یک سو و بحرانها و تشتهای داخلی شکل گرفته و تشدید شده در بستر نامناسب تاریخی جامعه از سوی دیگر، بدیهی است که خطر سقوط حکومت ملی حتی با دادن برخی امتیازات و عقب‌نشینیهای موضعی و تاکتیکی، منتفی نبود و تنها دست کشیدن از اصول استراتژی موازنه منفی و تن دادن به درخواستهای بیگانگان می‌توانست مانع سقوط آن شود، که این نیز نفی موضوعیت استراتژی موازنه منفی بود.

به هر حال، این استراتژی علی‌رغم فراهم نبودن شرایط تحقق کامل و وجود برخی کاستیها در مجموعه عناصر تشکیل دهنده آن، در مقطع زمانی مورد نظر اعمال شد و در پیگیری و پیشبرد آن، شخصیت مصدق که خود از واضعان آن بود و از آغاز ورود به صحنه سیاسی کشور هیچگاه از مسیر آن منحرف نشد، نقش اساسی داشت. شخصیت و عملکرد مصدق و پیگیری و کاربرد اصول موازنه منفی در تقابل مشخص با نظام بین‌المللی بود و از این رو پس از شخصیت رهبری ساختار سیاسی حکومتی، نظام بین‌المللی یا بیرونی مهمترین عامل تعیین کننده رفتار سیاسی در الگوی تصمیم‌گیری خارجی محسوب می‌شد. جیمز روزنا پژوهشگر روابط بین‌الملل در ارزیابی و تحلیل رفتار سیاسی هر حکومت - بر اساس تقسیم‌بندی کشورها بر حسب بزرگی یا کوچکی (عناصر متشکله قدرت آنها)، توسعه یافتگی یا نیافتگی، و باز یا بسته بودن نظام سیاسی آنها - پنج عامل تعیین کننده عمده را بر می‌شمارد که این عوامل در هر کشور یا مجموعه‌ای از کشورها بر حسب سه مشخصه فوق متفاوت است.<sup>۸۸</sup> در تطبیق رفتار سیاسی حکومت ایران - در مقطع مورد نظر - با تقسیم‌بندی روزنا، بطور کلی می‌توان ایران سالهای ۳۰ تا ۳۲ را کشوری کوچک (در مقایسه با کشورهای بزرگ و قدرتمند غرب و شرق)، توسعه نیافته (نسبت به کشورهای پیشرفته یا توسعه یافته صنعتی غرب)، و باز (با توجه به وجود مشخصه‌های بارز کثرت‌گرایی، تحزب، تعدد و تنوع مطبوعات، آزادی بیان و تبلیغات، وجود مجلس منتخب در

متزلزل و ناهمخوان جبهه ملی و حکومت، شرایط سیاسی-اجتماعی نامساعد برای تداوم این استراتژی و نیز بوروکراسی ضعیف و نامنجم، در هماهنگی با شخصیت رهبری تصمیم گیرهای سیاسی قرار نداشته است.

### زیر نویس:

۱. عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، صص ۴۰ تا ۴۹.
۲. همانجا.
۳. حسین کی استوان، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، صفحات متعدد.
۴. قوام، همان کتاب، صص ۱۰۴.
۵. محمدعلی (همایون) کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، صص ۱۸۰ و ۱۸۱.
۶. اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، مصدق و نهضت ملی ایران، صص ۶.
۷. همان منبع، صص ۷.
۸. همانجا.
۹. همان منبع، صص ۸.
۱۰. همان منبع، صص ۹ و ۱۱.
۱۱. همان منبع، صص ۹ و کاتوزیان، همان کتاب، صص ۵۲.
۱۲. اتحادیه انجمنهای اسلامی، صص ۱۱.
۱۳. همان منبع، صص ۱۳.
۱۴. کاتوزیان، همان کتاب، صص ۲۵۳.
۱۵. همان منبع، صص ۷۲ و اتحادیه انجمنهای اسلامی، صص ۱۶.
۱۶. کاتوزیان، همان کتاب، همان صفحه.
۱۷. اتحادیه انجمنهای اسلامی، صص ۱۸.
۱۸. کاتوزیان، همان کتاب، صص ۷۰.
۱۹. همان منبع، صص ۱۱۳ و ۱۱۴ و اتحادیه انجمنهای اسلامی، صص ۲۴ و ۲۵.
20. Ervand Abrahamian, *Iran between two Revolutions*, p. 212.
۲۱. کی استوان، همان کتاب، ج ۱، صص ۸۵.
۲۲. محمد مصدق، مصدق و مسائل حقوق و سیاست، صص ۱۱۹.
۲۳. کاتوزیان، همان کتاب، صص ۱۲۲ و ۱۲۳ و عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۲۴)، صص ۱۰۲.
۲۴. اتحادیه انجمنهای اسلامی، صص ۲۹، ۳۲ و ۳۳.
۲۵. همان منبع، صص ۳۸ و ۴۲.

○ برخی از تحلیلگران سیاست ایالات متحده در قبال نهضت ملی ایران را به سه مرحله تقسیم کرده اند: نخست، پشتیبانی از جنبش ملی شدن صنعت نفت؛ دوم، میانجیگری دوستانه برای حل اختلافات ایران و انگلستان؛ و سوم، مخالفت با مصدق و براندازی حکومت ملی.

○ دولت شوروی نه تنها برای خود سودی در پشتیبانی از حکومت ملی دکتر مصدق و جلوگیری از سقوط آن نمی دید، بلکه در راستای تقسیم همه چیز به روسی و غیر روسی [ضد روسی یا آمریکایی]، مصدق را به دلیل استقلال عملش عامل امپریالیسم آمریکایی دانست.

مواضع غیر دوستانه و بلکه خصمانه شوروی در قبال نهضت ملی، در خط مشی و عملکرد عوامل وابسته به آن کشور در ایران بویژه حزب توده نیز انعکاس می یافت.

شرایط آزاد بانمیدگانی با گرایشهای سیاسی مختلف و بعضاً متضاد، آزادی تجمع و راهپیمایی و اعتصاب، تفکیک قوا و استقلال و بیطرفی قوه قضائیه و... محسوب داشت. به این ترتیب، عوامل مؤثر در رفتار سیاسی حکومت ایران در سالهای ۳۰ تا ۳۲، طبق اطلاق روزنا نسبت به کشور کوچک توسعه نیافته باز، بر حسب توالی تأثیر عبارت خواهد بود از شخصیت رهبری، نظام بین المللی، نقش شخصیت، شرایط سیاسی-اجتماعی و بوروکراسی. در بررسی تاریخی-تحلیلی عوامل مؤثر بر رفتار سیاسی حکومت مصدق-چنان که در این تحقیق دیدیم-این تقسیم بندی مشخصاً صادق است و پس از شخصیت و نظام بین المللی-که شرح آن گذشت-به ترتیب، نقش شخصیت در مجموعه جبهه ملی و ساختار سیاسی حکومتی، شرایط سیاسی-اجتماعی ایران و در نهایت، بوروکراسی رفتار ضعف و تشنگی و پراکندگی، تعیین کننده بوده است. با این حال، اهمیت و اولویت دو عامل نخست-شخصیت و نظام بین المللی-به گونه ای بوده که در واقع مجموعه رفتار سیاسی حکومت مصدق را در عملکرد و تقابل این دو عامل می توان جست. هژمونی عامل نخست، موجب اعمال و پیگیری استراتژی مستقل و ملی موازنه منفی و عملکرد سیاسی حکومت بوده اما پس از چندی عامل دوم یعنی نظام بین المللی توانسته استراتژی نهادینه نشده موازنه منفی را در هم شکنند؛ چرا که سه عامل دیگر تعیین کننده رفتار سیاسی یعنی نقش شخصیت در طیف

۶۴. همان منبع، ص ۲۵.
۶۵. بیل، همان کتاب، ص ۱۰۱.
۶۶. همان منبع، ص ۱۰۲.
۶۷. هوشنگ مهدوی، همان کتاب، ص ۱۰۴.
۶۸. کاتوزیان، همان کتاب، ص ۲۲۰.
۶۹. همان منبع، ص ۲۲۶ و بیل، همان کتاب، ص ۱۰۷.
۷۰. همان منبع، ص ۱۰۵.
۷۱. همان منبع، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.
۷۲. هوشنگ مهدوی، همان کتاب، ص ۱۰۵.
۷۳. بیل، همان کتاب، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.
۷۴. همان منبع، ص ۱۲۰.
۷۵. گازیوروسکی، همان کتاب، ص ۲۹.
۷۶. همان منبع، صص ۲۵ و ۲۷.
۷۷. همان منبع، ص ۳۲ و هوشنگ مهدوی، همان کتاب، ص ۹۰.
۷۸. همان منبع، ص ۱۰۸ و گازیوروسکی، همان کتاب، صص ۲۹ و ۳۲ تا ۳۷.
۷۹. هوشنگ مهدوی، همان کتاب، ص ۱۰۴.
۸۰. همان منبع، صفحات مختلف.
۸۱. کاتوزیان، همان کتاب، ص ۲۱۲.
۸۲. همان منبع، ص ۲۸۱ و اتحادیه انجمنهای اسلامی، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۸۳. همان منبع، ص ۱۲۹.
۸۴. نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ص ۲۰۵.
۸۵. همان منبع، ص ۲۰۹.
۸۶. اتحادیه انجمنهای اسلامی، ص ۱۰۳.
۸۷. کاتوزیان، همان کتاب، ص ۲۷۶.

88. J. Rosenau, A Pretheory of Foreign Policy, in W.D. Coplin, Kegley, **Analyzing International Relations**, p.3748.

### منابع:

#### الف. منابع فارسی:

۱. اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، مصدق و نهضت ملی ایران، بی‌جا، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، ۱۳۵۷.
۲. بیل، جیمز، شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و آمریکا، ترجمه فروزنده برلیان (جهانشاهی)، ویراستاران: حسین ابوترابیان و عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱.
۳. علم، مصطفی، نفت، قدرت و اصول: ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، انتشارات مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۱.

۲۶. همان منبع، ص ۵۹.
27. *Ibid.*, p. 240.
۲۸. هوشنگ مهدوی، همان کتاب، صص ۹۸ و ۹۹.
۲۹. اتحادیه انجمنهای اسلامی، ص ۶۲.
۳۰. همان منبع، ص ۶۴.
۳۱. همانجا.
۳۲. کاتوزیان، همان کتاب، ص ۱۸۶.
۳۳. اتحادیه انجمنهای اسلامی، ص ۷۹.
۳۴. همان منبع، صص ۸۱ و ۸۹ و کاتوزیان، همان کتاب، ص ۱۸۱.
۳۵. همان منبع، ص ۱۸۳.
۳۶. اتحادیه انجمنهای اسلامی، ص ۹۰.
۳۷. همانجا.
۳۸. همان منبع، ص ۹۱.
۳۹. همان منبع، ص ۱۰۴.
۴۰. همان منبع، ص ۹۱.
۴۱. همانجا.
۴۲. همان منبع، ص ۹۶.
43. *Ibid.*, p. 273.
۴۴. همان منبع، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.
۴۵. کاتوزیان، همان کتاب، ص ۲۵۳.
۴۶. هوشنگ مهدوی، همان کتاب، صص ۹۷ و ۹۸.
۴۷. همانجا.
۴۸. همان منبع، ص ۵۶.
49. *Ibid.*, p. 274.
۵۰. هوشنگ مهدوی، همان کتاب، ص ۵۷.
۵۱. همان منبع، صص ۵۷ و ۵۸.
۵۲. همان منبع، ص ۵۸.
۵۳. همان منبع، ص ۸۹.
۵۴. مارک گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، صص ۱۸ و ۱۹.
۵۵. کاتوزیان، همان کتاب، صص ۳۲۵ و ۳۲۶.
۵۶. همان منبع، ص ۲۲۱.
۵۷. همان منبع، ص ۲۲۳.
۵۸. همان منبع، ص ۲۲۴.
۵۹. جیمز بیل، شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و آمریکا، ص ۹.
۶۰. مصطفی علم، نفت، قدرت و اصول: ملی شدن نفت ایران و پیامدهای آن، ص ۳۹۷.
۶۱. کاتوزیان، همان کتاب، ص ۲۵۹.
۶۲. گازیوروسکی، همان کتاب، ص ۲۵.
۶۳. همان منبع، ص ۲۴.

رساله از دکتر محمد مصدق، زیر نظر ایرج افشار، تهران، انتشارات زمینه، ۱۳۵۸.

۱۰. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۲۴)، بی‌جا، مؤلف، ۱۳۶۸.

ب. منابع لاتین:

1. ABRAHAMIAN, ERVAND, **IRAN BETWEEN TWO REVOLUTIONS**, NEW JERSEY. PRINCETON UNIVERSITY PRESS, 1983.
2. ROSENAU, J. "A PRETHEORY OF FOREIGN POLICY", IN, W.D. COPLIN, KEGLEY, **ANALYZING INTERNATIONAL RELATIONS**, NEW YORK, PREGER PRESS, 1975.

۴. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۰.
۵. کاتوزیان، محمدعلی (همایون). مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
۶. کدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۹.
۷. کی استوان، حسین، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۱، ج ۲، بی‌جا، انتشارات مصدق، ۱۳۵۵.
۸. گازبوروسکی، مارک، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه غلامرضا نجاتی، ضمیمه کتاب جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۷.
۹. مصدق، محمد، مصدق و مسائل حقوق و سیاست، مجموعه ۹ مقاله و



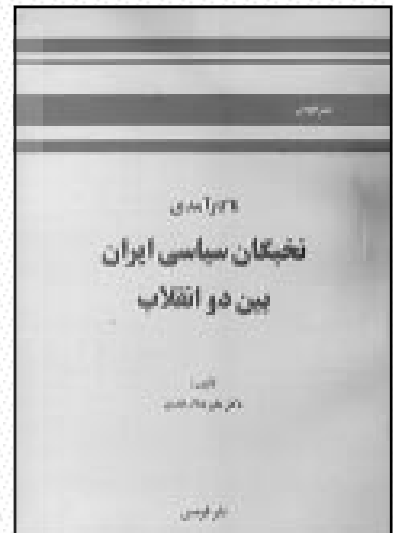
### تاریخ جنگ‌های صلیبی

رنه گروسه  
ترجمه دکتر ولی‌الله شادان  
نشر و پژوهش فرزندان روز  
بها ۱۷۰۰ تومان

### فرهنگ تاریخی و جغرافیائی

#### شهرستان‌های ایران

عبدالرفیع حقیقت «رفیع»  
انتشارات کومش



### ناکار آمدی نخبگان سیاسی ایران

#### بین دو انقلاب

دکتر علیرضا ازغندی  
نشر قومس - بها ۶۵۰ تومان